



سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در ایران !

هفتم شهریور ماه اسامال مصادف است با سیزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی ایران .

در شهریورماه ۱۳۶۷ بدستور خمینی و همدستی سایر رهبران جمهوری اسلامی قتل عام زندانیان سیاسی ایران آغاز شد و در کمتر از یکماه هزاران نفر از مردان، زنان ، جوانان و نوجوانان و حتی کودکان ده و دوازده ساله که بجرم آزادیخواهی، اغلب در دادگاههای فرمایشی محاکمه شده و مشغول گذراندن دوران محکومیت خود بودند، بطرز سبعانه ای بقتل رسیدند.

رهبران جمهوری اسلامی در پی شکست سیاست «جنگ ، جنگ تا پیروزی» و در ترس از اوج یابی جنبش توده ای باین جنایت وحشتناک دست زده بودند ، تا به خیال واهی خود، با ایجاد جو رعب و وحشت، جرات هر گونه اعتراض و مبارزه و مقاومتی را از مردم و مبارزین راه آزادی و برابری سلب کنند. اما طولی نکشید که با کشف گورهای دسته جمعی که مملو از اجساد شکنجه شده و تیرباران شده زندانیان سیاسی بود، افکار عمومی بیش از پیش متقاعد شد که علیرغم تبلیغات فرصت طلبان ، سازشکاران و مجامع دولتی که بغاظر منافع اقتصادی کلان خود در برابر این جنایات سهر سکوت برلب زده و مردم را به اصلاحات تدریجی در این نظام ضد بشری امید وار میسازند ، راهی جز سرنگونی این رژیم و اقلیت ثروتمند حامی آن که امروز به مافیای قدرت و ثروت معروف است، وجود ندارد .

در فاصله سیزده ده سالی که از این جنایت هولناک سپری میشود تاکنون صدها و هزاران انسان مبارز دیگر توسط جمهوری اسلامی بقتل رسیده اند. اما هیچکدام از این تشبثات مانع گسترش مبارزه مردم زحمتکش ایران در راه رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی، یعنی آرمان کسانی که در شهریور شصت و هفت در زندانها قتل عام شدند، نشده است، گسترش مبارزه کارگران ، زحمتکشان ، زنان ، جوانان و روشنفکران مبین این واقعیت انکار ناپذیر است که درخت آزادی و برابری که با خون ده ها انسان مبارز و شریف آبیاری شده است، اینک با بیداری وسیع توده های مردم میروود که به بار بنشینند. در سیزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی، در محل دفن این عزیزان جمع شویم ، از خانواده ها و

بقیه در صفحه ۴

بیانیه نشست مشترک

نشست مشترک ۹ سازمان، مجمع و محفل سیاسی به منظور همکاری

جامعه ایران، اکنون دچار یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی است. این بحران ناشی از اوج گیری بی سابقه تضادهائی است که از ماهیت نظام حاکم بر ایران برمی خیزد و نشانه های آن به شکل آشکار در مبارزات کارگری و جنبش های اعتراضی روزافزون توده ای علیه رژیم جمهوری اسلامی به چشم می خورد. مبارزه طبقه کارگر با تمامیت نظام اسارتبار سرمایه داری جمهوری اسلامی، آشتی ناپذیر و در حال گسترش است. در سالهای اخیر، کارگران در ایران برای به دست آوردن خواستهای عادلانه خود، دست به صدها مورد اعتصاب و اعتراض زده اند و علیرغم فریب، تهدید و سرکوبها، مبارزاتشان گسترش یافته واز محدوده کارخانه و محیط کار، به سطح خیابان و شهر کشانده شده است.

کارگران، بارها و بارها دست به گردهمائی، تظاهرات و راهپیمائی زده اند و برای دستیابی به خواستها و مطالبات خود، ایستادگی و مقاومت های قهرمانانه از خود نشان داده اند. در جریان این مبارزات، همبستگی طبقاتی کارگران رشد کرده، و سیاستهای فریبکارانه و سرکوبگرانه رژیم نتوانسته است در عزم و اراده طبقاتی و تداوم مبارزات آنها خللی وارد کند. اکنون، ما با مواردی روبرو هستیم که کارگران، همزمان و مشترکا در چند کارخانه دست به مبارزات هماهنگ می زنند. این مبارزات گرچه هنوز عمدتا اقتصادیست، اما خصلت سیاسی از هم اکنون در بطن آنها آشکار است.

بقیه در صفحه ۲

در یک آلترناتیو سوسیالیستی قابل پیاده شدن است. ترسیم چگونگی یک چنین جامعه ای در آینده و تلاش برای دادن طرحهایی که بتوانیم یک جامعه انسانی تر داشته باشیم از ضروریات انکار ناپذیر محسوب میگردد. کمونیستها باید

بقیه در صفحه ۳

مطالب دیگر:

● گزارش نشست مشترک

صفحه ۶

● مراسم بزرگداشت

● قتل عام زندانیان سیاسی

صفحه ۴

● بیاد فواد مصطفی سلطانی

● بیاد صمد بهرنگی

● با زبانی که روشن و گویاست

صفحه ۲



مبارزات زنان برای احقاق حقوق خود در واقع مبارزه برای کل جامعه است و چنان که حقوق آنان تحقق یابد در واقع توانسته ایم به یک جامعه آزاد و مترقی برسیم. رسیدن به جامعه انسانی و برابر، مبارزه باسنن عقب افتاده و ارتجاعی و ایجاد تغییرات بنیادین و ریشه ای در جامعه، بدون رفع ستم جنسی از زنان غیر ممکن است. خواستها و مطالبات زنان برای برابری کامل، آن چنان ریشه ای و رادکال است که فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلاب سوسیالیستی . به سوی تحقق کامل پیش خواهد رفت

برای تحقق کامل حقوق زنان باید قوانین موجود را به کل تغییر داد، شیوه زندگی کنونی و ساختار خانواده را دگرگون کرد. در آداب و رسوم جامعه تغییر و تحولات اساسی ایجاد کرد و آگاهی جامعه را بالا برد و دید و نگرش نسبت به زنان را متحول کرد. جامعه ما برای تغییرات اساسی در زمینه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیاز به تحولات بنیادین دارد و چنین تحولی

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی!

جنبش اعتراضی علنی و مستقیم توده‌های علیه رژیم، در ابعادی به وسعت سراسر ایران در حال گسترش است. تهمیدستان حاشیه نشین شهرهای بزرگ، دست به شورش‌های گسترده علیه نظم موجود می‌زنند. علیرغم سیاستهای زن ستیز رژیم، مبارزات مستقل زنان برای احقاق حقوق برابر خود، اعتلاء یافته است و آنها در تمامی عرصه‌ها و در اشکال بس متنوع، و در تمامی جنبشهای اعتراضی؛ از مبارزات کارگران، تاجنیش تهمیدستان و دانشجویان و جوانان نقشی فعال برعهده دارند.

اقلیت‌های مذهبی فاقد هرگونه آزادی اندیشه و بیان هستند و به خاطر عقاید خود به شدت مجازات می‌شوند. کارگران مهاجر، به ویژه کارگران افغانی با شدت بیشتری استشارمی شوند و به مراتب از حقوق کمتری برخوردارند و مورد تحقیر و ستم و آزار قرار می‌گیرند.

به کار کشیدن و استثمار وحشیانه کودکان، و فاجعه کودکان خیابانی، بی‌حقوقی مطلق کودکان در ایران را نمایش می‌دهد و بیکاری، نومی از آینده و رواج دادن اعتیاد، ارمغان جمهوری اسلامی برای نسل جوان در سراسر ایران است. اما دانشجویان و نسل جوان ایران، علیرغم سرکوب مداوم، در شکل‌های گوناگون به مبارزات خود ادامه می‌دهند.

این وضعیت فاجعه بار، و تداوم و گسترش روز افزون مبارزات توده‌ای، نشانه این واقعیت است که خواستهای توده‌های وسیع مردم، از چارچوب نظم اقتصادی- اجتماعی و سیاسی موجود فراتر می‌رود. این خواستها، در فعلیت کنونی خواستهای دمکراتیک و آزادیهای سیاسی و مطالبات عمومی کارگران، زحمتکشان، ملیت‌های زیرستم، زنان، دانشجویان و جوانان و اقلیت‌های قومی و مذهبی، و خواستهای سوسیالیستی طبقه کارگر در سوی براندازی کلیت نظام سرمایه داری.

جمهوری اسلامی تا به حال نشان داده است که حتی از برآوردن ابتدائی‌ترین مطالبات عمومی نیز ناتوان است. از همین رو، روند تحول کنونی، گسترش روز افزون مبارزات را نشان می‌دهد. این بحران، تضادهای درونی هیئت حاکمه را نیز شدت داده و شکاف عمیقی در درون دستگاه دولتی پدید آورده است. درعین حال، سیاستهای هر دو جناح در مقابله با بحران با شکست روبرو شده و نتوانسته است پاسخی برای وضعیت موجود بیابد. واقعیت‌های آشکار، نشان می‌دهد که بحران در حال عمیق‌تر شدن است.

با این همه، شکست هر دو جناح اصلی هیئت حاکمه، هنوز به مثابه شکست کامل بورژوازی نیست. در همین شرایط، گرایشات گوناگون سرمایه داری، چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون، می‌کوشند که تحت عنوان جنبش اصلاحات، با شعار «جامعه مدنی» و «حاکمیت قانون» و غیره، و با پشتیبانی سرمایه جهانی و دولتهای امپریالیستی، خود را از شر زوائد دست و پاگیر حکومت اسلامی رها سازند و با آرایش رژیم، خطر را از سر بورژوازی ایران دور کنند. آنها تلاش می‌کنند که جنبش عمومی توده‌های زحمتکش و جنبش طبقاتی کارگران را منحرف سازند و مانع دگرگونی‌های انقلابی و سوسیالیستی در ایران شوند.

از این رو، وظیفه‌های سنگین بردوش تمامی نیروها و فعالین کمونیستی که به آرمانهای سوسیالیستی طبقه کارگر وفادارند و خواهان تحقق خواستهای توده‌ها هستند قرار دارد. کمونیستها، وظیفه دارند که توطئه‌های ارتجاعی بورژوازی را برای منحرف ساختن و سرکوب جنبش طبقاتی افشاء نمایند و با تقویت جنبش سوسیالیستی، تلاش برای وقوع انقلاب و تحقق خواستهای عمومی را دنبال کنند. مانع عمده در راه انجام وظائف کمونیستها پراکندگی و تشتت نظری سیاسی است. غلبه بر این پراکندگی و تشتت، کوشش مشترک همه کمونیستها را می‌طلبد. در این راستا، ما، برخی از سازمانها و فعالین کمونیست که با زفرمیسم مرزبندی قاطع داریم، در ادامه تلاش تاکنونی خود، برای غلبه بر این پراکندگی و تشتت نظری سیاسی و تلاش برای ارتقاء سطح آگاهی و تشکل طبقاتی کارگران، تقویت موقعیت طبقه کارگر در جنبش عمومی، و تلاش برای تأمین هرزومنی طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی، طی نشست که در تاریخ ۲۴ تا ۲۶/۸/۲۰۰۱ برگزار گردید، کوشیدیم بربنای حداقلی از توافق بر اساس:

سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه داری و استقرار حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان در ایران، تدارک یک همکاری را آغاز کنیم.

ما براین باوریم که این تلاشها می‌تواند جمع گسترده‌تری را دربرگیرد. از اینرو، دست همه آنان را که با این حرکت هماهنگ اند می‌فشاریم.

شرکت کنندگان در نشست مشترک

۲۰۰۱/۸/۲۶

با زبانی که روشن و گویاست

همه شب مرغ شب شکن خواناست!

کافتابی یگانه میخوام

نه بلند اختران دور از هم!

دنبال مکاتبات، رایزنیها و پیشنهادات و تلاشهای سازمان ما و دیگر جریانهای سیاسی و افراد، مبنی بر برگزاری نشستی وسیع و مشورتی بمنظور یافتن راه حل عملی و اصولی جهت پایان دادن به تشتت و پراکندگی میان کمونیستها و سازماندهی امکانات و توان مشترک برای پیشبرد مبارزات جاری، بالاخره این نشست در تاریخ ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ اوت ۲۰۰۱ برگزار شد. با توجه به نا کافی بودن تدارک سیاسی و نظری آن، نتیجه حاصله فعلا در یک بیانیه سیاسی مشترک خلاصه شده است. این بیانیه را که حاصل جمع نظرات گرایشات مختلف شرکت کننده در نشست بود در زیر ملاحظه میکنید. لازم به توضیح است که ما قبل از برگزاری نشست، باتوجه به تجربیات قبلی وجود گرایشات مختلف را پیشبینی کرده بودیم * و همچنین در سخنرانیهای نوبتی جلسات، نمایندگان سازمان ما تحلیل مشخصی از وجود گرایشات و راه حل همکاریهای مشترک بین آنها و ضرورت و اولویت تلاش برای پایان دادن به تشتت و پراکندگی میان کمونیستها ارائه نمود. از آنجا که گزارش شورای هماهنگی نشست در این باره برای انتشار بیرونی مورد توافق ما بوده و هست و نیز برای جلوگیری از هرگونه پیش داوری در مورد نظرات گرایشات شرکت کننده در نشست (با توجه باینکه هنوز سخنرانی شرکت کنندگان از روی نوار پیاده و منتشر نشده است تا به آنها استناد شود) لذا در اینجا اساسا از توضیح نظرات اولیه و روند شکل گیری تلاش مشترک برای برگزاری این نشست و نیز از تحلیل نظرات ارائه شده از سوی گرایشات مختلف در نشست خود داری میکنیم تا اینکه خود گرایشات با ارائه نظرات و جمعبندی مباحث خود، امکان قضاوت مستقل و شرکت موثر و کار ساز در مباحثات آتی را فراهم نمایند. کسانی که روند های معطوف به امر نزدیکی، اتحاد عمل، اتحاد های طبقاتی و حزبی در سطح جنبش را دنبال کرده اند بدون شک از مواضع سازمان ما و از تلاشهای عملی و نظری که به سهم خود در این رابطه انجام داده ایم مطلع اند. علاوه بر آن کنگره دوم ما نیز در این باره مواضع روشنی را به تصویب رسانده که همواره راهنمای عمل ما در این موارد بوده و هست. در نشست مشترک اخیر نیز، ضمن استقبال از سازماندهی همکاریهای مشترک در زمینه

های مختلف و امکانبذیر بودن این اتحاد عملها و اتحاد های پایدار در هر موقع و زمانی حول مسائل مبرمی که در آن اشتراک نظر وجود دارد، اعلام کردیم که ما به مبارزه برای سوسیالیسم، اتحاد و استقلال طبقاتی کارگران اهمیت قائلیم و تلاش نظری و عملی برای فائق آمدن بر تشتت و پراکندگی میان کمونیست ها برای ما درالویت قرار دارد، زیرا تا وقتیکه کمونیستها در حالت پراکندگی به سر میرند تاثیر تعیین کننده ای در مبارزه طبقاتی برجای نخواهند گذاشت و قادر به انجام وظایف تاریخی خود نخواهند بود و در نهایت به فرقه های جدا از



با کمک های مالی
خود ما را در پیشبرد
وظایف انقلابی مان
یاری رسانید!

اطلاعیه های سازمان
آخرین
را از آدرس اینترنت
دریافت کنید!
www.fedayi.org

موانع رفع ستم ♦♦♦

عامل اندیشه هائی باشند که بتوانند زمینه ایجاد تحولات ریشه ای در جامعه را فراهم کنند.

کمونیستها باید بیندیشند و برای یکایک معضلات اجتماعی طرح و برنامه بدهد. اگر ماحرف برای گفتن داشته باشیم، خود توده ها اندیشه های ما را بین خود خواهند برد.

همانطور که اشاره شد، یکی از مسائل کلیدی جامعه ماکه حل آن باعث حل بسیاری دیگر از مشکلات جامعه خواهد شد، چگونگی تحقق حقوق کامل زنان و رفع ستم جنسی است.

بطور کلی موانع رفع ستم جنسی از زنان را اینگونه می توان برشمرد:

۱- جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی، مذهبی آن که مربوط به حاکمیت و سیستم سیاسی کشور می باشد که با سرنگونی آن و تغییر قوانین به نفع زنان جامعه این مانع بر طرف می شود.

۲- آداب و سنن فرهنگی، اجتماعی ضد زن که مربوط به مردم جامعه می باشد.

باید توجه داشت که برای رفع این مانع نیاز به رشد آگاهی و خواست همگانی داریم.

۳- سیستم سرمایه داری نشان داده

است که عملاً نه اعمتقادی به برابری دارد و نه در این جهت حرکت می کند و نه میتواند در آن تغییرات ریشه ای انسانی به نفع زنان انجام داد و خود عامل نابرابری است و همه چیز را وحتى انسان (زن و مرد) را کالا می بیند. سیستم سرمایه داری بیشترین ستم هارابه زنان کارگر می کند، و زنان فقیر دیگر کشورها را مانند کالاهای جنسی و برده های جنسی خرید و فروش و مورد بهره برداری سود جویانه قرار می دهد. برای رفع این مشکل باید سیستم سرمایه درای را نابود کرد و به جای آن آلترناتیو سوسیالیستی راپیاده کرد.

برای رسیدن به برابری حقوقی زنان با مردان باید یک سری اصول کلی را در نظر گرفت و بر طبق آن قوانین و قراردادهای اجتماعی را تنظیم و رعایت نمود و در ضمن جامعه باید پاسخگو بی عدالتی های خود باشد که چرا ستم جنسی را با سنن عقب افتاده بازتولید می کند. جامعه باید در یک سری از آداب و سنن خود تجدیدنظر کند و هر چیزی که جنبه ستم جنسی دارد را بر طرف کند، در این باره مامی توانیم به مواردی اشاره کنیم.

۱- عدم دادن مسئولیت مشخصی به یک انسان بر اساس جنسیت (در خانواده یا جامعه)، شغلها یا وظایف را نباید زنانه و مردانه کرد.

۲- هر دو، و یا چند نفر انسانی که باهم نوعی از زندگی مشترک را آغاز نموده اند، مخصوصاً اگر یک زن و یک مرد باشند، بایستی از روز اول بین هر دو بطور مساوی در آمدشان تقسیم شود و باید این آگاهی به جامعه داده شود و تبدیل به خواست عمومی گردد. و در مقابل بایستی باسنن عقب افتاده ای که با آن سر انسانها معامله می کنند مثل دادن چهپیزی، شیر بها، مهریه و غیره مبارزه کرد.

تا از فرهنگ ما زدوده شود وهم چنین باید با حق خواستگاری مطلق برای مرد (که از جامعه مردسالاری نشات می گیرد) مبارزه کرد. شکل خواستگاری سنتی را تغییر داد. چرا باید امکان انتخاب برای مردان نامحدود و برای زنان محدود به خواستگارها باشد؟

۳- پرازن باید در خیلی از موارد از همسرش اجازه بگیرد و این رویه را خودش رعایت می کند و یا مجبور به رعایت میشود؟

۴- چرا در جامعه روابط جنسی خانواده برای زنان بد شمرده می شود ولی در مقابل برای مردان افتخار است؟ چرا اگر زن جوانتر از مرد باشد خوب است ولی اگر مرد جوانتر باشد به راحتی قابل قبول جامعه واقع نمی شود؟

۵- چرا باید بخش عمده قدرت مالی جامعه و قدرت سیاسی و عملی در دست مردان جامعه باشد؟

۶- چرا قبل از ازدواج برای نشان دادن سلامت پرده بکارت، دختر را نزد پزشک می برند؟ چرا سلامت پرده بکارت برای جامعه یک ارزش است؟

درخواست گواهی سلامت پرده بکارت (به هر دلیل) نشانه عقب افتادگی یک جامعه میباشد و این سنت غلط دست پخت جامعه مرد سالاری است، وظیفه ما مبارزه با این سنت غلط است. باتمام توان باید در مقابل آن ایستاد.

۷- چرا چند همسری برای مردان در بخشی از جامعه قابل قبول است ولی حتی تصور چند همسری یا چند همزی برای زنان در کل جامعه غیر ممکن است؟

۸- چرا باید بایک انسان (زن) مثل برده یک انسانی دیگر (مرد) بر خورد نمود وزن مطیع و فرمانبردار مرد باشد و تصمیم گیرنده نهائی مردهای خانواده باشند؟

۹- چرا نباید تمامی مشاغل (بدون استثناء) حداقل ۵۰٪ به زنان تعلق

داشته باشد؟

۱۰- چرا نباید شوراهای زنان در جامعه وجود داشته باشد تا قوانین مربوط به زنان را تصویب کنند و خود برای خود تصمیم بگیرند و نه اینکه مردان تصمیم گیرنده سرنوشت آنان باشند؟

۱۱- چرا نباید در تمامی رشته های تحصیلی (بدون استثناء) ۵۰٪ سهمیه زنان باشد؟

۱۲- چرا نباید حداقل ۵۰٪ از تمامی ارگانهای قدرت سیاسی و قضائی به زنان تعلق داشته باشد؟

۱۳- چرا جامعه معضلی به اسم دفاع از ناموس دارد که جنایتهای بسیاری به این اسم توسط مردان خانواده صورت گرفته است؟ چرا جامعه مردسالاری حقوق انسانی زنان را پایمال می کند؟

۱۴- چرا باید هر فردی بعد از تولد فامیلی پدر بر روی او گذاشته شود و چرا نباید بر عکس باشد؟ سختی هاملگی و زایمان را پدر می کشد یا مادر؟

۱۵- چرا فقط باید مردان نان آور خانواده محسوب شوند؟ آیا نباید شکل آن را تغییر داد؟

۱۶- چرا باید نگهداری فرزندان و وظیفه مادر باشد و نه وظیفه هر دو و جامعه؟

۱۷- چرا باید خانه داری از وظایف مشخص زنان باشد؟

۱۸- چرا هم جنس گرایی و دو جنس گرایی (مخصوصاً برای زنان) در جامعه تابو است؟

یکی از اصول اساسی و ارگانهای اصلی ستم جنسی جامعه مرد سالاری وظیفه خانداری است که بر عهده زن گذاشته شده است.

یک زن خانه دار پس از سالها سپری شدن عمرش چه حرفه ای را یاد گرفته است؟ کدامین حقوق بازنشستگی و کدامین بیمه را دارد؟ کدامین مدرک تحصیلی رابه دست آورده است؟ در صورت مرگ همسرش مشکلات اقتصادی خود را چگونه برطرف خواهد کرد؟ چگونه زن میتواند در چارچوب خانه با جامعه ارتباط برقرار کند (مانند مردان)؟ خانه داری چه کمکی به استقلال اقتصادی زن خانه میتواند بکند؟ براستی راه حل چیست؟ آیا باید شکل خانواده را تغییر داد؟

شاید بتوان در یک خانواده نصف روز زن خانه دار و نصف روز مرد خانه داشته باشیم و آنگاه زن و مرد خانه هر یک کاری نیمه وقت و پاره وقت داشته باشند و در آن صورت فرزندان نیز می توانند در خانه از وجود والدین

کومه های مردم زجر دیده رضوان شهر، برسرشان خراب شد!

صبح امروز ماموران جمهوری اسلامی با شقاوت تمام کومه ها و آلونک های مردم زجر کشیده رضوان شهر شیراز را با خاک یکسان کردند.

مردم ساکن در این کومه ها از فقیر ترین اقشار جامعه محسوب میگردند و تنها دلیل فقر و بدبختی مفرط به زندگی در این آلونک ها تن در داده اند. شرایط محیط و امکانات زیستی در این اینگونه محلات طوریست که هیچ انسانی مگر به اجبار قادر به زندگی در آنها نیست.

سران جمهوری اسلامی که میلیاردها دلار از در آمد نفت و دسترنج همین زحمتکشان را صرف تجهیز نیروهای سرکوبگر و صرف تجملات و صفرهای رویائی آقازاده های خود میکنند، بجای شرم از ملاحظه یک چنین وضعیتی، با توسل به ترفند تبلیغاتی نظیر « قاچاقچی مواد مخدر» تنها سرپناه آنها را بر سر صاحبانشان خراب میکنند تا از قبل فروش زمینها جیب اعوان و انصار خود را پرکنند. در حالیکه همه میدانند قاچاقچیان مواد مخدر در کاخهای سر به فلک کشیده و در خوش آب و هوایترین نقاط تهران و شهرستانها به عیش و نوش مشغولند و در ساخت و پاخت با عوامل دولتی از هرگونه مجازاتی مصون میباشند.

ما ضمن محکوم کردن اقدامات غیر انسانی جمهوری اسلامی، ساکنان فقیر این کومه ها را به مبارزه و مقاومت علیه اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی فرامیخوانیم و بویژه از مردم زحمتکش شیراز و از جمله کارگران شریف این استان، انتظار داریم به یاری این مظلومان برخاسته و نگذارند رژیم استثمار گر و سرکوبگر جمهوری اسلامی، تحت عناوین مختلف آخرین امید این انسانهای زنده به گور شده را به نفع مافیای مالی و صاحبان ثروت های باد آورده مصادره کنند.



قتل عام زندانیان سیاسی

پدران و مادران داغ دیده عیادت کنیم و با برگزاری مراسم های مختلف در داخل و خارج کشور به افشای ابعاد بیسابقه این جنایت هولناک بپردازیم و هر جا که هستیم با تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی، یاد و خاطره هزاران انسان مبارزی را که در راه آزادی و سعادت توده های مردم قهرمانانه جان باختند، گرامی داریم.

بمناسبت سالگرد کشتار زندانیان سیاسی

در تابستان سال ۱۳۶۷

نمایش اسلاید و طرحهای مستند از زندان
توسط یکی از زندانیان سیاسی سابق (سودابه)



زمان : ۱۵ - ۲۰۰۱-۹ ساعت : ۱۷ - ۱۴

مکان : Indre By medborgerhus
Ahlefeldtsgade 33

برگزار کننده : مدافعین وحدت چپ اقلایی ایران - دانمارک

با درود بی پایان به همه
جانباختگان راه آزادی و
برابری!

سرنگون باد جمهوری
اسلامی ایران برقرار
باد جمهوری فدراتیو
شورائی ایران!
شورای مرکزی سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست

شهریور ۱۳۸۰

مراسم بزرگداشت قتل عام زندانیان سیاسی

بمناسبت سیزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور ۶۷ مراسمی در پاریس توسط «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی» برگزار میگردد این مراسم شنبه ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۱ ساعت ۱۹:۳۰ آغاز و تاپلسی از شب ادامه خواهد یافت

در این مراسم باقر مومنی و شهاب شکوهی سخنرانی خواهند داشت
گزارش سالیانه سرکوب در ایران توسط یکی از اعضای انجمن هنرمندان
مهمان : سیما، آواز سعید صادقی آسا، تا ر احسان گودرزی، ویلون برادران سلطانی دف و تنبک خواهند نواخت

این برنامه با دکلمه اشعاری از شاملو، سعید سلطانیپور توسط خانم زمرد همراه خواهد بود
ما ضمن آرزوی توفیق برای مسئولین انجمن در برگزاری این مراسم از همه ایرانیان مبارز متقیم پاریس دعوت میکنیم در این مراسم شرکت کرده و یاد و خاطره مبارزین راه آزادی و برابری را گرامی دارند.



زندانیان سیاسی
آزاد باید گردند!
زندانهای سیاسی
در سرتاسر
مملکت ویران
باید گردند!

••••• موانع رفع ستم

بطوری مساوی برخورداری شوند. شاید بتوان با ارائه خدمات عمومی بخشی از کارهای خانگی را بر عهده کل جامعه گذاشت مثلاً نهار دادن در مدارس، در محله‌های کار، ایجاد رختشویی‌های عمومی، گسترش مهد کودکان و غیره. اصلاً باید چیزی به نام زن کدبانوی خانه از فرهنگ جامعه مازدوده شود. در خانواده‌ها، پدر و مادر جداً باید از دادن وظایف مشخص به دختران و به پسران خود بر اساس جنسیت خود داری کنند و نباید مثلاً غذا درست کردن و آشپزی، تمیز کردن خانه، خیاطی، لباس شستن و غیره جزء وظایف زنان باشد. بلکه همه ساکنان خانه باید در انجام همه کارها سهم باشند و همه فرزندان چه دختر چه پسر باید بدون تبعیض همه کارها را آموزش ببینند و انجام دهند، بدون آنکه کار و یا وظیفه‌ای بر اساس جنسیت تعیین و تقسیم شود.

به امید رفع ستم جنسی از زنان
نظام

۱۵ مرداد ۱۳۸۰

بیاد فواد مصطفی سلطانی

فواد مصطفی سلطانی یکی دیگر از هزاران جانبخته‌ای است که در شهریور ماه سال ۵۸ در یک درگیری نابرابر با نیروهای سرکوب گر رژیم جان باخت. رفیق فواد یکی از انقلابیون بنام کردستان و ایران بود که در شرایط بعد از اصلاحات ارضی و همزمان با شکل گیری گروه‌های نوین جنبش کمونیستی و چپ در سراسر ایران قدم به عرصه مبارزه گذاشت، او و همزمانش با جمع‌بندی از تحولات ناشی از اصلاحات ارضی و انعکاس آن در مبارزات مردم کردستان، تلاش کردند تا به مسائل مبارزاتی که این تحولات پیش رو می‌گذاشت پاسخی در خور و علمی بدهند رفیق فواد از جمله کمونیست‌هایی بود که مطالعات تئوریک و تلاش نظری را با هدف رهائی کارگران و زحمتکشان دنبال میکرد از این روتلاش نظری او و همراهانش در سال ۴۸ به بار نشست و به تشکیل کومه انجامید. کومه‌ای که بتواند به نیازهای مبارزاتی کارگران و زحمتکشان کردستان در برابر رژیم ستم شاهی و بورژوازی داخلی پاسخ دهد مصطفی سلطانی در جنبش کردستان خوب میدانستند که محرومیت و ستم و استثمار که بیش از نود درصد مردم کارگر و زحمتکش کردستان را به روز سیاه نشاند است محصول تباری خان‌ها، قودال‌ها، تجار و سرمایه‌داران کردستان و سراسر ایران است. اینها هستند که خون مردم را به شیشه کرده و مبارزات آنها را با نیروهای دولتی خود سرکوب میکنند.

جوهر این تفکر اگرچه در شرایط رشد شتابان و توام با زور و سرکوب سرمایه داری در ایران و حاکم شدن تدریجی مناسبات سرمایه داری بناگیز در حاله‌ای از ابهامات ناشی از همین وضعیت اقتصادی و اجتماعی برای مدتی پوشیده میماند. اما هر چه زمان گذشت و این جوهره با شرایط رشد جامعه و ارتقای سطح مبارزه طبقاتی سیقل خورد آنگاه نتیجه داد و بعد ها و بویژه بعد از قیام همه شاهد به بار نشست این تلاشها هستند. رفیق فواد بعد از بنیان گذاری کومه در سال ۴۸ در سال ۵۳ توسط ساواک دستگیر و روانه زندان شد او در زندان نیز یکی از پرتحرک ترین و محبوب ترین افراد زندان بود فواد در مرداد سال ۵۷ اعتصاب معروف زندان سنندج را سازماندهی کرد و در مهر ماه همان سال در نتیجه اوج گیری مبارزات مردم از زندان آزاد شد و با آزادی از زندان به سازماندهی مبارزه کارگران و زحمتکشان کردستان همت گماشت و سرانجام در نهم شهریور ماه ۱۳۵۸ در یک درگیری نابرابر در روستای بسطام کردستان جان در راه آزادی و سوسیالیسم نهاد یادش گرامی و راه اش پر رهرو باد.

بیاد صمد بهرنگی

گرامی باد یاد و خاطره صمد بهرنگی، دوست و همراه و هم غم بچه‌ها، انسانی وارسته و معلمی انقلابی که در عمر کوتاه خود از راه قلم و اندیشه آتچنان تأثیری در مبارزه برای آزادی و برابری برجای گذاشت که هر گز فراموش نخواهد شد، ما در شماره بعدی در پاره صمد بیشتر خواهیم نوشت.



از حقوق پناهندگان دفاع کنید!
ایرانیان مبارز مقیم خارج از کشور!



هرجا که هستید از حقوق پناهندگان دفاع کنید! روزانه ده‌ها نفر از انسان‌هایی که از ظلم و ستم و سرکوب و کشتار حاکم بر کشورشان میگریزند در کوه‌ها و دریاها نابود میگردند بدون اینکه فریاد رسی داشته باشند هزاران نفر آواره کوه و بیابان‌ها هستند و هم اکنون صد‌ها نفر از پناهندگان در گوشه و کنار دنیا و از جمله در وان ترکیه و اربیل کردستان دست به اعتصاب غذا و تحصن زده‌اند. فریاد این انسان‌های گریخته‌خ از جهنم ستم و سرکوب را به گوش افکار عمومی مترقی جهان برسانید، برستی که بر آنها رواداشته میشود از علل مهاجرت آنها و اینکه به چه مناسبت حاضرند این همه سختی راه و آوارگی و درپدیری و بی چشم اندازی را قبول بکنند، صحبت کنید و از هرآنچه که از دست تان بر میآید برای نجات آنها کوتاهی نکنید.

کارگران مبارز و پیشرو!
ما کارگران برای گرفتن حق
و حقوقمان و برای پیروز
شدن، هیچ راهی
جز وحدت و تشکیلات نداریم
به صفوف سازمان فدائیان
کمونیست که سازمانی است
متعلق به کارگران، بپیوندید

سرنگون باد رژیم
ارتجاعی و زن‌ستیز
جمهوری اسلامی!

برقرار باد
جمهوری فدراتیو
شورائی ایران!

بولتن خبری سیاسی شماره
۸۹ اتحاد چپ کارگری با
مطالبی متنوع منتشر شد
خوانندگان نشریه جهان
کمونیستی و همه ایرانیان
مبارز را به خواندن بولتن
سیاسی خبری و سایر
انتشارات اتحاد چپ کارگری
ایران فرا میخوانیم!

با زبانی که روشن ...

طبقه و توده های مردم تبدیل خواهند گردید و وقتی کارگران از تحزب و استقلال طبقاتی محروم باشند مبارزات آنها با طبقه سرمایه دار به پیروزی نخواهد انجامید.

و از نقطه نظر ما، در این اتحاد ها مبارزه برای سوسیالیسم توأم با دفاع بی قید و شرط از آزادیهای سیاسی و اتحاد طبقاتی کارگران در مقابل طبقه سرمایه دار از نقش محوری برخوردارند و در این راستا علاوه بر ایجاد امکانات مشترک تبلیغی و غیره، انتشار نشریه ای بمنظور انعکاس نظرات و آغاز مباحثه حول مبرم ترین مسائل جنبش و ضروری ترین مفاد برنامه ای را ضروری میدانیم. چرا که انتشار بولتن در این پروسه وسیله ایست برای گردش دموکراتیک افکار و نظرات و ایزاریست جهت استحکام همکاریها و نیز رفع تدریجی اختلافات عمده و هموارکننده راه وحدت های اصولیست.

خوشبختانه علیرغم اختلافات موجود و باوجود اینکه هنوز هیچ توافق جز صدور یک بیانیه مشترک، انتشار بولتن بحث و برگزاری سمینارهای آینده حاصل نشده است اما جریان نشست و نتیجه حاصله که در گزارش شورای هماهنگی و بیانیه مشترک نشست نیز کاملا مستتر است تایید یک چنین روندی است.

قرار داد.

سرانجام پس از دو روز بحث و گفتگو، جمع بندی بحثها حکایت از آن داشت که، هم در رابطه با سطح توافقات و هم به لحاظ تبیین روابط درونی و مناسبات مشترک جریانات حاضر، هنوز نقاط ابهام و تفاوت موجود است. از این رو، تداوم مباحثات از طریق انتشار یک بولتن مشترک ضرورت دارد. گرایش های مختلف در ضمن کوشیدند که برسر تدارک آغاز این همکاری به نکات مشترک و توافقات پایه ای برسند و با تدوین یک بیانیه مشترک این امر را آغاز کنند. همچنین با انتخاب یک شورای هماهنگی ۱۵ نفره و پیشنهاد اقدامات ضروری، مثل انتشار بولتن، ایجاد رابطه و همکاری بین فعالین این پروژه، پیشبرد وظائف عملی- مبارزاتی و برگزاری یک نشست دیگر در آینده نزدیک، نخستین گام ها برداشته شد. شرکت کنندگان در نشست براین باورند که امر تدارک این همکاری می تواند جمع گسترده تری را در بر بگیرد، از این رو، نیروها و فعالین دیگری که با این طرح هماهنگ اند مقدمشان در این راه گرامی ست.

به امید پیروزی طبقه کارگر
شورای هماهنگی موقت نشست مشترک

گزارش نشست مشترک

به دنبال کوشش هایی که بیش از یک سال از آغاز آن می گذرد و پس از انتشار دو بولتن مباحثات و فراخوان ۹ سازمان، مجمع و محفل سیاسی که «همه جریانات، محافل، و فعالین کمونیست و چپ معتقد به سرنوینی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان» را دعوت به برگزاری یک نشست مشترک به منظور همکاری می کرد، سرانجام یک نشست از ۲۴ تا ۲۶ ماه اوت ۲۰۰۱ برگزار شد. در این نشست، هیئت های نمایندگی، یا نمایندگان از سازمانها و مجامع زیر حضور داشتند.

- اتحاد سوسیالیستی کارگری (ناظر)
- حزب رنجبران ایران
- حزب کمونیست ایران و کومه له
- راه آینده
- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)
- سازمان فدائیان (اقلیت)
- سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران
- شورای زندانیان سیاسی چپ (ناظر)
- شورای کار
- کانون سیاسی پناهندگان
- فعالین سیاسی در هلند، مدافع اتحاد صفوف کمونیست ها و چپ رادیکال
- فعالین و مجامعی از کمونیست های کشورهای: آلمان، آمریکا، انگلستان، ایتالیا، سوئد، فرانسه، نروژ و هلند
- مدافعین وحدت چپ انقلابی دانمارک
- هسته اقلیت

این نشست که با حضور بیش از صد تن و در فضائی سرشار از امیدواری برای یک همکاری و غلبه بر پراکندگی و تشتت کنونی برگزار شد، با یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد.

نخست، هیئت هماهنگی پس از خوشامدگویی به شرکت کنندگان، گزارشی از روند فعالیت هایی که به برگزاری نشست انجامید را ارائه داد. سپس یک هیئت شش نفره برای اداره جلسه انتخاب شد. پس از بحث های مقدماتی، قرار شد که به تمام گرایشات موجود در نشست و هرکس که طرح معینی ارائه می کند نیم ساعت وقت داده شود تا نظرات اثباتی خود را بیان کند. در ادامه، نشست وارد بحث عمومی شد و نظرات ارائه شده را مورد نقد و بررسی

نلمه عده ای از کارگران علا الدین

عده ای از کارگران علا الدین هستیم. بیش از این ما حدود یک سال بود که حقوق نگرفته بودیم هم اکنون نیز از پرداخت حقوق کامل خود داری میکنند. اگر چه اکنون بارها در مراکز مختلف تجمع کردیم ولی کسی بطور کامل به حرف ما گوش نداد. میخواستیم مشکل عدم دریافت حق و حقوق خود مان را در این ستون هم انعکاس دهیم، شاید فرجی شد.

آدرسها و شماره فاکس
تماس با سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست
kar-Co
Box 10063
S-400 70 Göteborg/
Sweden

فاکس روابط عمومی
+ (46) 317792571
آدرس پست الکترونیکی
webmaster@fedayi.org

کارگران!
ما باید آزادیمان را
بدست آوریم،
اعتصاب حق ماست
تظاهرات حق ماست،
ایجاد اتحادیه، شورا،
حزب و هرتشکل دیگر
حق ماست، با دست زدن
به اعتصاب و تظاهرات
خواست های خود را به
گوش جهانیان برسانیم!

JAHAN - E- COMMUNISY
SEPTEMBER 2001 NO 13

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی